

رهبری عدالت محورانه امام علی^(ع) در جنگ جمل

اکرم السادات حسینی *

دانش آموخته دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

چکیده

شناخت رفتار عدالت‌محورانه امام علی^(ع) پس از به دست گرفتن حکومت می‌تواند میزان صداقت وی در عملکردهای بعدی او را تبیین کند و آن را برجسته‌تر بنمایاند. علی^(ع) عدالت‌گستری را نه آنگاه که از قدرت برکنار است، بلکه زمانی فریاد می‌کند که در رأس حکومت قرار دارد. امام علی^(ع) اولین اقدام خود پس از به دست گرفتن حکومت را عدالت و برابری اعلان می‌کند و تا پایان حکومت خود بر این امر مهم پافشاری دارد. او در جنگ جمل ابتدا می‌کوشد که از بروز جنگ جلوگیری کند؛ پس از جنگ نیز تلاش می‌کند که با صدور فرمان عفو عمومی نشان دهد که عدالت هیچ منافاتی باگذشت و ایثار ندارد. این پژوهش درصدد بررسی رهبری عدالت‌محورانه و راهکارهای امام علی^(ع) در مواجهه با اصحاب جنگ جمل است. در این مقاله، نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر تاریخی و حدیثی، بدین نتایج دست یافته است که: اجرای عدالت با استفاده از راهکارهای مناسب برای جلوگیری از جنگ و خونریزی، بخشش به هنگام قدرت، حفظ کرامت انسانی و پاسداشت حقوق افراد مخالف، کمک شایانی به بسط عدالت در جامعه و دفع عوامل فساد و انحراف می‌کند.

واژگان کلیدی: امام علی^(ع)، عدالت‌محوری، بصره، جنگ جمل

* نویسنده مسئول : akramsadat.hosseini5@gmail.com « روش ارجاع به این مقاله: حسینی، اکرم

سادات (۱۴۰۲)؛ رهبری عدالت‌محورانه امام علی^(ع) در جنگ جمل، دوفصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۴ (۶).

۱- مقدمه

عدالت یکی از ارکان مهم برای هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. بدیهی است که اجرای آن با دشواری‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است و تدابیر و سیاست‌های خاصی را می‌طلبد. بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) تنها حکومت مستقلی که ائمه رسماً تشکیل دادند، حکومت امام علی^(ع) بود. این حکومت یکی از الگوهای عملی برای اجرای صحیح عدالت در جامعه است.

از آنجاکه رهبران در هر جامعه‌ای الگویی برای پیروان خود هستند، می‌توانند نقش منحصر به فردی در جامعه خود ایفا نمایند، از سویی دیگر از آنجاکه مهم‌ترین مبانی دینی در اندیشه امام علی (ع) عدالت‌محوری است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۵) می‌توان این مبنا را در سراسر زندگی امام نظاره کرد؛ بنابراین بسیاری از عملکردهای امام علی (ع) با رعایت حقوق مردم ارتباطی مستقیم دارد که در اندیشه امیرالمؤمنین از مهم‌ترین زیرساخت‌های اصلاح جامعه و مناسبات مدیریتی به شمار می‌رود. آن حضرت عدالت را شریف‌تر و برتر از بخشش می‌داند و می‌فرماید: «عدالت تدبیر عمومی مردم است درحالی‌که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵: حکمت ۴۳۷). امام در اولین خطبه خود بعد از رسیدن به خلافت، تقسیم بیت‌المال را به صورت تساوی مطرح می‌کند و از همان آغاز خلافت، عدالت و مساوات را از اصول حکومتی خود قرار می‌دهد.

تحلیل عدالت‌محوری در عملکرد امام علی (ع) قابل پیگیری است و راهکارهای امام در این جهت می‌تواند به عنوان الگویی برای زمامداران و مدیران در سطح پایین‌تر شناسانده شود؛ بنابراین ضرورت پرداختن به این بحث، الگوگیری از تدابیر عدالت‌محورانه امام علی (ع) می‌تواند برای زمامداران و مدیران جامعه سودمند واقع شود و جامعه را نیز سامان دهد.

مطالعه حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و اساس آن برطبق گزارش‌های تاریخی و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، نخست سیر تاریخی راهکارهای امام علی (ع) در جریان جنگ جمل را بررسی کرده است و در پی آن جنگ و کشمکش، تدابیر عدالت‌محورانه امام از جمله: مساوات و برابری در گرفتن بیت‌المال، عزل عاملان فاسد، حذف تبعیض نژادی، گفت‌وگو و مناظره با مخالفان، اتمام حجت، عفو عمومی بصریان، امان دادن به اسیران و زنان و ... درباره اصحاب جمل را بیان نموده است.

ادعای این نوشتار آن است که در زمامداری نیز روش برخورد با افراد مخالف حکومت و پایبندی به اعتقادات اسلامی نقطه ابتدایی و اصلی‌ترین راهبرد حتی در جنگ با شورشیان و براندازان حکومت است. بنابراین مهم‌ترین سؤالات پژوهش این است که راهکارهای عدالت‌محورانه امام علی (ع) در مواجهه با اصحاب جمل و جلوگیری از جنگ چه بوده است؟ برخورد امام با ناکثین در جنگ جمل کیفی سخت است یا انسانی و سخاوتمندانه؟ و اینکه اقدامات عدالت‌محورانه امام برای آرام‌سازی جامعه متشنج بعد از جنگ جمل و سرکوب مخالفان چگونه بوده است؟

هرچند این پژوهش از پیشینه عمومی در تک‌نگاری‌های خاص در این باره به صورت ضمنی برخوردار است، چنانکه در شروح نهج‌البلاغه از جمله شرح ابن ابی الحدید، کتاب الجمل شیخ مفید، تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی و کتب تاریخی دیگر مطالبی پراکنده می‌یابیم اما مسئله اصلی هیچ‌یک از دانشوران، واری دقیق از راهکارهای امام علی (ع) در مواجهه با اصحاب جمل آن‌هم بر پایه عدالت‌محوری نبوده که در این مقاله محور است.

بدین منظور ابتدا عملکرد امام علی (ع) قبل از جنگ جمل و سپس این تدابیر در حین وقوع کارزار جمل در سنجه تحلیل قرار می‌گیرد؛ این تحلیل در هر قسمت در قالب نتیجه‌گیری و تطبیق عملکرد امام علی (ع) با زمامداران و مدیران جامعه صورت می‌پذیرد.

۲-۱) مؤلفه‌های عدالت‌محور پیش از جنگ جمل

بعد از مرگ خلیفه سوم، حضرت علی (ع) با بیعت همگانی مردم به خلافت رسید. خلافت برای علی (ع) هدف نبود و هرگز برای آن تلاش نکرد و آن را تنها برای اقامه حق و اجرای عدالت و بازگیری حقوق ضعیفان و ناتوانان می‌خواست (ر.ک، نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۳). یافتن مصادیقی در سیره امام علی (ع) برای برپایی عدالت، می‌تواند میزان وفاداری ایشان را بر گفته‌های خود بهتر و موشکافانه‌تر تبیین کند؛ بنابراین در ادامه مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت‌محوری ایشان پیش از جنگ جمل تحلیل و بررسی قرار می‌شود.

۲-۱-۱) درهم شکستن ساختارهای پوشالی

مهم‌ترین گام اصلاحی علی (ع) در آغاز خلافت خود، از بین بردن ساختارهای پوشالی بود که بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) رواج یافته بود و جامعه را به سوی پیش می‌برد که ملاک برتری و اعتبار انسان‌ها را ثروت، قدرت و جایگاه آنان در جامعه قرار می‌داد و افرادی که فاقد این ویژگی‌ها بودند را ناچیز می‌پنداشت.

امام علی (ع) قصد داشت با تمام تلاش خود این معیارهای غلط را در هم بشکند و ارزش‌های اصیل الهی و انسانی همچون علم و تقوا و پاکدامنی و گذشت را جانشین آن سازند. امام اولین اقدام خود بر پایه عدالت‌محوری را، تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی بین همه مسلمانان مطرح کرد و فرمود: کسانی که اموالشان را از طریق نامشروع به دست آورده‌اند و در دنیا غرق شده‌اند همه این اموال به بیت‌المال برگردانده خواهد شد و به اندازه حششان دریافت می‌کنند. (ر.ک، نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۵) در حقیقت، این اقدام، اصلی‌ترین حرکت اصلاحی امام علی (ع) را تشکیل می‌داد؛ چراکه در صورتی جامعه به سعادت رهنمون می‌شود که افراد آن جامعه از نظر فکری و عملی اصلاح شوند.

عدالت علوی به معنای اجرای برنامه‌های راهبردی مطلوب برای نظام سازی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از ۲۵ سال خلافت خلفای سه‌گانه بود. این درحالی بود که در دوران خلافت ۱۲ ساله خلیفه سوم جامعه با بازگشت سنت‌های اشرافی جاهلی مواجه شده بود و جعل حدیث، بدعت و انحراف از اصول قرآنی و سنت نبوی، بی‌عدالتی، تبعیض، ستمگری و رفاه‌زدگی رواج یافته بود (منتظر قائم، ۱۳۹۱: ۶۰). هنگامی که زمام امور به دست امام علی (ع) افتاد تصمیم گرفت سنت پیامبر (ص) را در تقسیم بیت‌المال احیا کند عدالت امام حکم می‌کرد که میان عرب و عجم و سفید و سیاه تفاوتی قائل نشود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۹۷/۲) تقسیم بالسویه غنائم منافع گروه‌هایی را به خطر می‌انداخت و برایشان سخت بود که حقوقی برابر با عموم مردم بگیرند و این نظام تساوی امام را نوعی توهین تلقی می‌کردند. از اینجا اولین جرقه آغاز مخالفت‌ها و شورش جمل زده شد.

۲-۱-۲ عزل عاملان فاسد

از آنجاکه اساس هر جامعه در دست گروه‌های حاکم است، هر برنامه اصلاحی و انقلابی اول باید آن‌ها را هدف‌گیری کند. امام (ع) بعد از اجرای نظام تساوی در اولین اقدام، عزل عاملان خلیفه سوم را از مناصب حکومتی خواستار شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۷۷/۲) زیرا امیرالمؤمنین (ع) قصد داشت با گماردن افراد دیندار و مورد اعتماد بر شهرها اولین گام را برای اجرای برنامه‌های اصلاحی و انقلابی خود بردارد.

امام (ع) در این کار قاطعیت نشان داد و فرمود که اصلاح جامعه بدون عزل عاملان فاسد امکان‌پذیر نخواهد بود و مفسد اجتماعی و انحراف‌های محیط تنها با اصلاحات فردی و موضعی چاره نخواهد شد، بلکه باید سردمداران جامعه و آن‌ها که نبض سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در دست دارند، در درجه اول اصلاح گردند تا زمینه برای اصلاح بقیه فراهم گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶ / ۲۸۰). امام علی (ع) در دستور کار خود عبدالله ابن

عامر والی و پسر دایی خلیفه سوم بر بصره را عزل و عثمان بن حنیف را بر ولایت بصره گمارد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۶/۵) ابن عامر شبانه به همراه بیت‌المال به مکه گریخت و به جمع مخالفان امام پیوست. ابن عامر پیشنهاد رفتن به بصره را به طلحه و زبیر داد و گفت که من نیامدم مگر اینکه ۴۰۰۰ نفر از مردم بصره به خونخواهی عثمان برخاسته بودند پس باید به بصره روید و حق خود را بگیرید (ذاکری، ۱۳۸۶: ۴۰/۲). ابن عامر با عزل شدن از بصره با کمک‌های مالی و مشورتی خود مخالفان را به سوی بصره سوق داد. امام مصمم بود که به فعالیت سیاست‌مداران فاسد و تعدی ثروتمندان پایان دهد و جامعه‌ای بر اساس عدالت از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بسازد حتی اگر با شدیدترین مخالفت‌ها برخورد کند. عدالت‌محوری امام چهره حقیقی افراد باطل را نمایان کرد. امام آنقدر به اجرای عدالت اهتمام داشت که در ترجیع‌بند کلام خود و در فرمان‌هایی که از ایشان ثبت شده، چیزی جز توصیه به عدالت نیست. نمونه برجسته عدالت سیاسی و توصیه‌های حکومتی را می‌توان در نامه‌های امام به کارگزارانش مشاهده کرد (دشتی، ۱۳۹۵: نامه ۵۳).

۲-۱-۳ ایمان و تقوا ملاک برتری

در مدینه طلحه و زبیر انتظار داشتند که حکومت شهرهای کوفه و بصره به آنان واگذار شود و در کار خلافت صاحب‌نظر باشند، اما علی (ع) به آنان روی خوش نشان نداد. امام در این زمینه معتقد بود که نباید خویشاوندی مانع اجرای دستورهای خداوند و زیر پا گذاشتن عدالت شود؛ برای همین فرمود: «حالا که آن دو در مدینه بوده و فاقد مقام هستند مرا آسوده نمی‌گذارند اگر کوفه و بصره در دست آن‌ها باشد رخنه و شکاف در امر دین به وجود می‌آید و من از شر آن‌ها ایمن نخواهم بود» (دینوری، ۱۴۱۰: ۷۱/۱). بدیهی است انسان چون به قدرت برسد انحصارطلب می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۹۰: ۲۷۱) رسیدن به قدرت اولین جرقه آغاز مخالفت طلحه و زبیر با امام علی (ع) و برپایی

شورش جمل بود. امام بر طبق دستورهای اسلام، نظام تساوی را به اجرا گذاشت و معیار برتری افراد را ایمان و تقوا قرار داد. امام با این کار ملاحظات طبقاتی و اشرافی را به کنار گذاشت و بر اصل خویشاوندمداری که در زمان خلیفه سوم رواج یافته بود خط بطلان کشید.

بعد از مدتی طلحه و زبیر به حضور امام رسیدند تا برای رفتن به حج عمره اجازه بگیرند. علی (ع) با اینکه می دانست رفتن آنان به بهانه انجام حج چیزی جز فتنه و شورش را به دنبال ندارد بازهم اجازه داد (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۱) امام از در مسالمت و مدارا با آنان وارد شد و نمی خواست که آغازگر مخالفت باشد. عدالت ایشان حکم می کرد که کسی را به جرم نکرده مجازات نکند.

طلحه و زبیر به همراه عایشه و گروه بزرگی از مخالفان امام که اکثر آنان را خویشاوندان خلیفه سوم تشکیل می دادند با شعار «یا لثارات عثمان» راهی بصره شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۲/۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۴۶/۱۲) در این میان، گرچه بیعت شکنی و زیاده خواهی ناکثین، ناموجه به شمار می آید؛ اما علی (ع) تلاش می کند بر محور دین حرکت کند و رفتارهای انحصارطلبی و افزون طلبی آنان را با سعه صدر برآمده از زمامداری باتدبیر و مدیریت خداپاورانه پی گیرد.

۲-۱-۴ مسالمت جویی و مدارا

طلحه و زبیر بعد از پیوستن به عایشه همراه با دیگر مخالفان علی (ع) راهی بصره شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۰/۴). امام (ع) آماده رفتن به شام برای مقابله با معاویه بود که خبر شورش طلحه و زبیر و حرکت آنان به سوی بصره به ایشان داده شد و با همان آرایشی که به سپاه داده بود، به سوی بصره حرکت کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۵/۴). ایشان با ایمان راسخ خود به دنبال بیعت شکنان حرکت کرد و هدف از حرکت به سوی بصره را برپاداشتن دستورهای الهی و اصلاح امور بیان کرد.

مسالمت‌جویی و مدارا از جمله عملکردهای امام محسوب می‌شود؛ وگرنه امام به‌خوبی می‌دانست رفتن طلحه و زبیر به حج چیزی به‌جز بهانه‌ای برای پیوستن به عایشه و شورش نیست و نه دل‌کندن از امارت بر کوفه و بصره برای آنان آسان است و بدون تردید هدف نهایی آن‌ها شورش و به دست گرفتن حکومت است. همچنین امام با شفافیت‌گرایی در برابر جنگ روانی دشمن درصدد بود که شبهات و فضاسازی‌هایی را که در این عرصه صورت می‌پذیرد، پاسخ دهد؛ چه اینکه مهم‌ترین بهانه طلحه و زبیر در اطاعت‌ناپذیری از امام بیعت اجباری و خون‌خواهی عثمان بود (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۵۴)؛ بنابراین امام با هوشمندی برای مقابله با این شبهه نیز تلاش می‌کرد. امام برای شبه‌زدایی در این باره، علت شورش ناکثین را چنین بیان کرد: «این حادثه رخ داد و محرک آن مردمی بودند که طالب دنیا بودند و به کسانی که خدا آن را به سبب فضیلت، برتر کرده بود حسد می‌بردند و می‌خواستند کارها را به حال اول (جاهلیت) باز گردانند اما خدا آنچه بخواهد می‌کند» (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۹۳).

امام علی (ع) در این سخنان علت شورش طلحه و زبیر را قدرت‌طلبی و حسد آنان می‌داند نه بیعت اجباری و خون‌خواهی عثمان. بدیهی است تا زمانی که افراد منحرف و فاسد در جامعه فعالیت می‌کنند و افکار و عقاید انسان‌ها را نشانه می‌روند، نمی‌توان شاهد پیشرفت و سعادت جامعه بود و از بین بردن این شبهات تلاشی وافر را می‌طلبد. ره‌آورد این رویکرد، شناخت مردم نسبت به حق و حقیقت ماجرا و پیوند میان رهبر و جامعه، بسط عدالت و بازگشت منحرفان خواهد بود.

از آنچه گذشت این نتایج حاصل می‌شود:

۱- عدالت حکم می‌کند که بیت‌المال و ذخایر کشور بین تمامی مردم بالسویه تقسیم شود و در این مورد هیچ‌کس بر دیگری برتری نداشته و تمام نژادها و ادیان و اقوام برابر هستند.

۲- راه حل بسیاری از مشکلات داخلی جامعه، شناسایی و عزل عاملان فاسد و گماردن افرادی لایق در جایگاه آنان است که ممکن است مخالفان و منتقدان را علیه رأس حکومت بشوراند. با حذف افراد نالایق، هویت مخالفانی که رسیدن به قدرت و انگیزه‌های شخصی را درگرو علم کردن جنگ مستقیم با حکومت و یا سران جامعه وانمود کرده‌اند، روشن می‌شود و درعین حال منحرفان و جنگ‌طلبان و کسانی که همواره در سیاست‌ورزی راه افراط یا تفریط را در پی گرفته‌اند، در منظر عموم قرار می‌گیرند.

۳- حتی اگر نزدیک‌ترین اطرافیان، خواهان در دست گرفتن منصبی باشند، زمامدار حق ندارد هیچ‌گونه تبعیضی قائل شود. تبعیض میان افراد به‌منزله آن است که میزان اصل برابری در میان جامعه کاهش یافته است و زمامدار عملکرد درستی در این مورد نداشته است و در طول زمانی که صدارت زمامدار پابرجاست نتایج سوئی خواهد داشت.

۴- مسالمت و مدارا قبل از ارتکاب جرم از طرف زمامدار باعث می‌شود تا راه بر هرگونه عذر و بهانه از مخالفان حکومتی سلب شود و چهره حقیقی و هدف آنان در جامعه شناخته شود و در صورت احراز جرم، رعایت اصل مدارا تا جایی رواست که مستلزم ارتکاب به حرام یا اخلال به اصول اسلام نباشد.

۵- گستاخی و فزون‌خواهی مخالفانی که با به‌کارگیری سلاح و انواع دسیسه‌ها فضای جامعه را متشنج می‌سازند، اقدام عملیاتی و امنیتی زمامدار را می‌طلبد. بدیهی است چنین افرادی با پیروی از هوای نفسانی خود از مخالف به محارب تغییر نام خواهند داد.

۶- ایجاد شبهه، متشنج کردن جامعه و اصرار بر سرکشی و خواسته‌های نامشروع از طرف مخالفان، نتیجه‌ای جز قیام زمامدار حق طلب علیه ایشان را ندارد و همین امر زمینه فتنه و آشوب را ایجاد می‌کند. بدیهی است با سخنانی کوبنده و روشن‌گرانه شبهه‌های ایجادشده از سوی مخالفان تا حدود زیادی دفع می‌شود.

۲-۲) راهکارهای امام علی (ع) برای جلوگیری از جنگ جمل

عدالت محوری یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که نقش بسزایی در سالم‌سازی محیط، احیای خوبی‌ها، حذف و طرد آلودگی‌ها و امور ناپسند از محیط جامعه ایفا می‌نماید. برنامه حکومتی امام علی (ع) بر مبنای عدالت استوار بود و هیچ مصلحت و شبه‌مصلحتی مانع از اجرای عدالت ایشان نگردید. امام (ع) قبل از برپایی جنگ جمل پیوسته تلاش خود را انجام می‌داد تا خون مسلمانان حفظ شود و مسلمانان در مقابل همدیگر قرار نگیرند؛ زیرا به‌خوبی می‌دانست که افراد ساده‌لوحی در جبهه ناکثین قرار دارند که بدون هیچ‌گناهی فقط ابزاری در دست محاربان شده‌اند.

امام علی (ع) در اولین اقدام خود برای جلوگیری از فساد و خون‌ریزی تصمیم گرفت با فرستادن نمایندگانی به‌سوی مخالفان و نصیحت آن‌ها، سران ناکثین را به اصلاح دعوت نماید؛ شاید بتواند با منصرف کردن یکی از آن‌ها جلو کشتار مسلمانان را بگیرد؛ بنابراین پسرعموی خود، عبدالله ابن عباس را مأمور کرد تا به نزد آنان رود، پیام امام را به آن‌ها برساند و آنان را به صلح دعوت نماید. وی برای ایجاد صلح و عدالت به‌صورت گوناگون عمل کرد و اقدامات متفاوتی را متناسب با هر زمینه انجام داد.

۲-۲-۱ گفت‌وگوی غیرمستقیم

امام (ع) از ارشاد طلحه ناامید بود و می‌دانست که طلحه گفت‌وگوپذیر نیست؛ بنابراین ابن عباس را برای گفت‌وگو به‌سوی زبیر فرستاد و فرمود: «با طلحه دیدار نکن؛ زیرا در برخورد با طلحه او را چون گاو وحشی می‌یابی که شاخش را تائیده و آماده نبرد است؛ بلکه با زبیر دیدار کن که او نرم‌تر است. به او بگو پسردایی تو می‌گوید در حجاز مرا شناختی و در عراق مرا نمی‌شناسی؟ چه شد که از پیمان خود بازگشتی؟» (رضی، ۱۳۹۵: خطبه ۳۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۷۵/۳۲) امام تمام جوانب را در نظر داشت و با شناختی که از طلحه داشت یقین کرد که صحبت با او بی‌فایده است؛ زیرا طلحه با پوشیدن جامه، تندخویی و خشونت، آبرو و موقعیت خود را از بین برده بود؛ بنابراین امام جایز

نمی‌دانست او را کفو خود بداند و در مقابلش بایستد و موجب ساقط شدن موقعیت خود گردد. این در موردی بود که امام (ع) قادر به ممانعت در ترک گناه طلحه نبود؛ اما چون زبیر را نرم‌تر می‌دید و احتمال می‌داد که نصایحش در زبیر اثرگذار باشد؛ برای همین بر خود لازم دانست که با او مذاکره کند.

ابن عباس به نزد زبیر آمد و شروع به صحبت کرد. زبیر ابتدا خشمگین بود؛ ولی کم‌کم آرام گرفت. سخنان ابن عباس هنوز به پایان نرسیده بود که عبدالله پسر زبیر حاضر شد و متوجه تأثیر سخنان ابن عباس بر پدرش شد و تلاش کرد به هر طریقی که امکان دارد رأی پدرش را برگرداند (سبحانی، ۱۳۸۶: ۴۳۴).

علی (ع) به ابن عباس و زید بن صوحان گفت: «نزد عایشه بروید و به او بگویید خدای تعالی تو را فرموده است که در خانه خود قرارگیری و بیرون نیایی و تو این معنی را نیک می‌دانی، اما جماعتی تو را فریفتند و از خانه بیرون آمدی و به سبب موافقت تو با این جماعت مردم در رنج و بلا افتادند. اکنون بهتر است که بازگردی و گرد نزاع و محاربت نگردی و اگر باز نگردی و این فتنه فرونشانی. عاقبت‌الامر این کار به جنگ کشد و مردم بسیاری کشته شوند.» ابن عباس از فضیلت علی (ع) و سوابقش در اسلام نزد عایشه سخن گفت و از عایشه خواست که از ریختن خون مسلمانان اجتناب کند، ولی عایشه گفت که من جواب شما را نمی‌توانم بدهم؛ چون به حجت علی برنیایم (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۶۷-۴۶۵).

علی (ع) این نصیحت‌ها را برای اعتذار (رفع مسئولیت) در پیشگاه پروردگار خود انجام داد تا شاید آن‌ها بپذیرند و از گناه بازایستند، ولی گوش‌های آنان از شنیدن سخنان حق کر شده بود. گاهی اجرای عدالت با سخن و نصیحت برقرار نمی‌گردد و نیاز است روش دیگری به کار گرفته شود تا از گسترش فساد در جامعه جلوگیری شود.

۲-۲-۲ گفت‌وگوی مستقیم

وقتی سفیران امام علی (ع) نتوانستند کاری از پیش ببرند و پیمان‌شکنان را از جنگ منصرف کنند. امام تصمیم گرفت که به روش دیگری این کار را انجام دهد و ملاقات حضوری با ناکثین داشته باشد، شاید دیدارش تأثیرگذار باشد. امام نخست با طلحه و بعد با زبیر دیدار کرد و به آن‌ها فرمود: «از خدا بترسید مگر من در دین اسلام برادر شما نبودم و خون شما را حرام نمی‌دانستم و شما خون مرا محترم نمی‌شمردید؟ آیا حادثه‌ای رخ داده که خون مرا برای شما مباح کرده است. ای طلحه تو همسر پیامبر را برای جنگ آوردی درحالی‌که همسر خود را پرده‌نشین می‌کنی. مگر تو با من بیعت نکردی؟ سپس علی (ع) به زبیر گفت: ای زبیر علت خروج و قیام تو چیست؟ زبیر گفت: من ترا برای خلافت شایسته‌تر از خود نمی‌بینم. علی (ع) گفت: مگر تو بعد از عثمان برای این کار اهل نبودی؟ آیا در خاطر داری روزی که پیامبر (ص) به تو فرمود: «تو در آینده با علی جنگ خواهی کرد درحالی‌که ظالم باشی» (ابن‌الاثیر، ۱۴۰۹: ۳/ ۲۳۹-۲۳۷)

امام علی (ع) بعد از گفت‌وگو با طلحه و زبیر و عایشه و واکنش آنان یقین کرد که این مسئله جز با جنگ حل نخواهد شد. ایشان تمام تلاش خود را به کار بست تا با دیدار سران ناکثین و نصیحت آنان بتواند جلو جنگ و خون‌ریزی را بگیرد و مسلمانان را از سقوط در گرداب گناه و آلودگی بر حذر دارد اما سخنانش تأثیری بر آنان نداشت.

ج) اتمام حجت

هرچند در برپایی عدالت و اصلاح دیگران، ارشاد و تعلیم، اخلاق نیکو، محبت، سعه صدر، نرمش و مدارا همگی اموری لازم و ضروری به نظر می‌رسند، در برخی موارد به دلیل نوع انحراف و عظمت قبح و زشتی آن، نرمش و مدارا بی‌اثر است و شدت عمل مؤثرتر واقع می‌شود، برخوردی انقلابی قادر است ریشه فساد را بخشکاند. امام علی (ع) سه روز به مخالفان مهلت داد شاید که از مخالفت خود دست بردارند و به اطاعت او

گردن نهند، اما وقتی دید که سخنانش اثربخش نیست و راهی جز جنگ باقی نمانده است، سپاه خود را منظم ساخت و آماده نبرد شد.

هر فرمانده عادی در چنین وضعیتی قدرت تحمل خود را از دست می‌داد و فرمان حمله را صادر می‌کرد؛ ولی علی (ع) که از روز نخست هدفش این بود که تا حد امکان مسئله را بدون خونریزی فیصله دهد، قرآن را به عنوان آخرین حجت به آن‌ها عرضه کرد. امام جوانی به نام مسلم را به گفت‌وگو با طلحه و زبیر و عایشه فرستاد و قرآنی به او داد و فرمود: «قرآن را به آن‌ها عرضه کن و بگو این قرآن میان ما و شما باشد، در مورد خون‌های ما و خودتان خدا را به یاد داشته باشید.» مسلم قرآن را گرفت و پیش طلحه و زبیر رفت و بعد از اندکی پیکر بی‌جان او جلوی لشکر امام انداخته شد (ابن‌ال‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳/۲۶۲؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲/۴۷۳).

۲-۲-۳ شدت عمل در برابر انحرافات

با شرارت‌های ناکثین کار به جایی کشید که نرمی و مدارا دیگر اثری نداشت. مخالفان بی‌شرمی خود را به حد اعلی رسانده، چند تن از یاران امام را کشتند و به امام علی (ع) توهین و شروع به تیراندازی کردند. ناکثین برای ترغیب امام به آغاز جنگ، او را ترسو خطاب کردند و صف‌های خود را آراسته بودند که به جنگ با امام بپردازند. پس امام برخاست و در خطبه‌ای چنین فرمود: «ای مردم، چندان که امکان داشت با این جماعت مدارا کردم و در افروختن آتش جنگ تائی نمودم و ایشان را از عواقب درگیری و دشمنی ترسانیدم، ولی هیچ تأثیری در آنان نداشت از وخامت عاقبت جنگ بیان نمودم تا شاید بر زن و فرزند خویش رحم کنند و از خدا و پیغمبر شرم دارند، ولی پند و نصیحت در آن‌ها هیچ اثری نکرد. آن‌ها می‌گویند به میدان مردان بیرون آی. آخر مانند منی را از جنگ بترسانند؟ من عمری در محاربت و مبارزه گذاشته‌ام و در میدان طعن و ضرب نشو و نما یافته‌ام. نمی‌دانم چگونه مرا فراموش کرده‌اند. من همان علی‌ام که

صف‌های مبارزان ایشان را شکسته‌ام و پدران و برادران ایشان را کشته‌ام و جمعیت‌های ایشان متفرق گردانیده‌ام. شمشیری که سرهای مبارزان عرب بر آن بریده‌ام، در دست من است. بدان خدای که جان علی در قبضه قدرت اوست که هزار زخم شمشیر بر او آسان‌تر باشد که در بستر بمیرد» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲ / ۴۶۸). امام مصمم بود که به هر طریق ممکن راه را بر هر عذر و بهانه‌ای ببندد شاید با یادآوری دلاوری‌هایش در صدر اسلام و گوشزد کردن فضائلش جرقه‌ای در دل منحرفان افتد و فطرت‌های خفته‌شان را بیدار کند.

۲-۲-۴ عدالت در بحبوحه جنگ

امام علی (ع) بعد از اتمام حجت به ایراد خطبه‌ای پرداخت و در آن فجایع ناکتین را شرح داد. عدالت علی (ع) در حساس‌ترین لحظات هم جلوه‌نمایی می‌کرد. امام علی (ع) قبل از اینکه فرمان حمله را صادر کند، فرمود: «تا ایشان کسی از شما را نکشته‌اند، شما جنگ را آغاز نکنید. اگر گریختند از اموال ایشان چیزی نگیرید و بر زخمیان و مجروحان تندی و بدرفتاری نکنید و اگر کسی گریزان شد و پشت کرد در پی او نروید و هر کس اسلحه خویش را افکند، او در امان است.» در مقابل این همه حلم و بردباری امام، اصحاب جمل شروع به تیراندازی کردند و شش تن از یاران امام را کشتند (مقدسی، بی تا: ۵ / ۲۱۲).

افراد زیادی دور شتر عایشه جمع شده بودند؛ شتری که نماد پرچم ناکثان بود و نقش رهبر آن جماعت منحرف را داشت. افراد به ترتیب مهار شتر عایشه را می‌گرفتند تا کشته می‌شدند. امام دید که تا شتر برجاست جنگ پایانی ندارد، از این روی دستور داد که شتر را پی کنند و سپاه به یک‌باره به شتر حمله‌ور شدند و او را از پا درآوردند. با سرنگونی شتر عایشه، بصریان پا به فرار گذاشتند و جنگ خاتمه یافت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۲۶۷-۲۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴ / ۵۰۹).

گاهی عدالت در اجرای حکم و قطع عوامل فساد جاری می‌شود و اگر به موقع و در لحظه صورت نگیرد، خسارت جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌شود؛ همان‌گونه که اگر دستور پی کردن شتر عایشه صادر نمی‌گردید، تعداد کثیری با پایداری شتر کشته می‌شدند. این‌گونه است که امام علی (ع) بعد از جنگ جمل در سرزنش مردم بصره آنان را پیروان حیوان می‌خواند و می‌فرماید: «شما سپاه یک زن و پیروان شتر عایشه بودید تا شتر صدا می‌کرد، می‌جنگیدید و تا دست و پای آن قطع گردید، فرار کردید» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۳). از آنچه گذشت این نتایج به دست می‌آید:

۱- حتی اگر بزرگان سیاسی جامعه به خاطر حفظ جایگاه خود، داعیه‌دار جنگ با حکومت باشند، زمامدار حق ندارد آغازگر جنگ باشد. نرمش در مقابل سران جامعه می‌تواند میزان تأثیر سیاست‌های زمامدار را بر سیاست‌طلبان دوچندان کند.

۲- علی (ع) در اولین برخورد با پیمان‌شکنان، با همان آرایشی که به سپاه برای حمله به شام داده بود، برای خاموش کردن شورش به‌سوی بصره حرکت کرد تا شاید در راه به ناکثین برسد و فتنه را در نطفه خفه کند. این واکنش اثر تربیتی فوق‌العاده‌ای در سپاه امام گذاشت و صحنه را به‌کلی دگرگون ساخت؛ درحالی‌که اگر علی (ع) می‌خواست به سرکوب معاویه در شام مشغول شود، از مدینه دور می‌ماند و ناکثین پس از تصرف بصره به قصد تصرف مدینه حرکت می‌کردند و در پی آن مدینه که مرکز حکومت بود، محاصره و از همان آغاز حکومت علی (ع) منحل می‌شد.

۳- راه‌حل بسیاری از مشکلات داخلی جامعه که ممکن است مخالفان و منتقدان را علیه رأس حکومت قرار دهد، عدم استقبال از گفت‌وگو، عدم ایجاد فضای باز و سلب فرصت از مناظره به روی دیگر نهادهاست. با رفع این مشکل هویت منحرفانی که رسیدن به انگیزه‌های شخصی را درگرو مخالفت با حکومت و یا سران جامعه وانمود ساخته‌اند،

روشن می‌کند و درعین حال جنگ‌طلبان و کسانی که همواره در سیاست‌ورزی راه افراط یا تفریط پی گرفته‌اند، در منظر قضاوت عموم قرار می‌گیرند.

۴- یکی از روش‌های بسط عدالت، تأخیر در آغاز نمودن جنگ از سوی زمامدار است که از این طریق می‌توان دل‌های کسانی را که میان جنگ کردن یا نکردن در تزلزل قرار گرفته و در جبهه محاربان حضور یافته‌اند به خود جلب کرد.

۵- گاهی زمامدار برای برپایی عدالت در جامعه از روش‌های گوناگونی بهره می‌برد؛ از گفت‌وگو و مناظره گرفته تا اتمام حجت. یکی از نمونه‌های بارز شدت عمل در برابر انحرافات و گناهان عظیم، برخورد حضرت علی (ع) با پیمان‌شکنان بود که آن حضرت با اتخاذ تدابیری چند، جلوی این انحراف اعتقادی را گرفت. در ماجرای جنگ جمل می‌بینیم که علی (ع) ابتدا با نرمی و مدارا عمل کرد و تلاش کرد با تذکر و یادآوری آنان را بازگرداند، اما وقتی تأثیری در آن ندید از طُرُق مختلف، آن‌چنان به مخالفان تفهیم کرد و در مقابلشان ایستاد که گویی اصلاً آن‌ها را نمی‌شناخته است.

۶- شناختن مواضع اصلی دشمن و از بین بردن عامل اصلی فساد، یکی از راه‌های بسط عدالت در جامعه است. در جنگ جمل، شتر عایشه نماد فساد آن جامعه بود و اگر رها می‌شد هزاران نفر دیگر به حمایت از شتر کشته می‌شدند. از جمله پیام‌هایی که می‌توان برداشت کرد، آن است که برای اجرای عدالت، حفظ امنیت و آسایش مردم، جاری ساختن حکم و قطع دست عوامل فساد و تباهی، یک ضرورت اجتماعی است.

۷- میدان جنگ، میدان عقده‌گشایی نیست که به محض غلبه بر دشمن و پیروزی ظاهری مخالفان را مورد تعرض و تعقیب قرار دهند؛ بلکه پاسداشتن حرمت مخالفان و ارج نهادن به مخالف جاهل فضایی را برای بازگشت آنان و تألیف قلوب فراهم می‌سازد.

۸- در حکومت عادلانه علوی، فراریان و اسیران و تسلیم‌شوندگان مورد توصیه هستند. در هیچ مکتبی در مورد این چند گروه سفارش نشده است. این عدالت‌محوری علی (ع)

است که حتی به کسانی که در مقابل حق ایستاده‌اند، اما به خاطر شرایط نامناسب جنگی یا به فرار گذاشته‌اند، توصیه به ترک تعقیب آن‌ها می‌دهد.

۲-۳) مؤلفه‌های عدالت‌محور بعد از جنگ جمل

امام علی (ع) در تمام زندگی خود تلاش کرد که یاور مظلومان و ستم دیدگان باشد. امام حکومت را نه برای حکومت و قدرت را نه برای قدرت بلکه برای عدالت می‌خواهد. از این رو امام با اشاره به لنگه‌کفشی بی‌بها می‌گوید: «به خدا این را از حکومت شما دوست‌تر می‌دارم، مگر آنکه حقی را برپا سازم یا باطلی را براندازم» (رضی، ۱۳۹۵: خطبه ۳۳). همچنین امام علی (ع) دلیل پذیرفتن خلافت خود را اجرای عدالت می‌داند و می‌گوید: «اگر خداوند از علماء پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند افسار شتر خلافت را بر کوهان انداخته رهاش می‌ساختم. آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۳).

اقدامات امام علی (ع) قبل از شورش جمل و همچنین راهکارها و تدابیر ایشان در جریان جنگ جمل خود گویای عدالت‌محوری ایشان است. در این زمینه، رفتار امام علی (ع) بعد از جنگ جمل برای تمام مصلحان و مبلغان، می‌تواند در بر دارنده درس‌ها و پیام‌های راهگشا باشد. در ادامه این پژوهش به عملکردهای امام بعد از جنگ جمل می‌پردازیم و چند نمونه از آن را برمی‌شماریم:

۲-۳-۱) گذشت در اوج قدرت

گاهی بخشش، بیش از مجازات مؤثر است و برای اصلاح جامعه و برپایی عدالت تأثیر بیشتری دارد. امام علی (ع) بعد از پیروزی در جنگ جمل در اوج قدرت بخشش را سرلوحه کار خود قرار داد و همه بصریان را عفو عمومی کرد. این در حالی بود که سپاه دشمن ناتوان و سرافکنده بود و امام (ع) در اوج قدرت می‌توانست شدیدترین مجازات

را برای آنان در نظر بگیرد؛ اما در اقدامی ناباورانه همه را مورد عفو عمومی قرار داد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۸). دستاورد این گذشت حضرت، پشیمان شدن بصریان و بیعت مجدد با علی (ع) بود.

امام علی (ع) حتی از عایشه هم که از سرکردگان جمل بود و حضور او باعث انحراف بسیاری از بصریان و برپایی جنگ جمل شده بود گذشت و او را با احترام زیاد به همراه برادرش محمد بن ابی بکر و بیست نفر از زنان قبیله عبدالقیس که لباس مردانه پوشیده بودند به سوی مدینه روانه کرد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴: ۵۲۹) امام در مقابل رفتار زشت ناکتین بزرگوارانه برخورد کرد و در مقابل کینه این افراد بخشش را مؤثرترین راه در اجرای عدالت می دانست.

۲-۳-۲ عدالت و گذشت در مورد فراریان و زنان

امام علی (ع) وارد بصره شد و به طرف خانه عبدالله بن خلف رسید که عایشه و فراریان جنگ جمل در آنجا بودند همسر عبدالله به امام اهانت کرد و او را «قاتل الأحبّة» و «مفرق الجمع» نامید؛ اما علی (ع) پاسخی نداد. یاران امام تحمل خود را از دست دادند و همسر عبدالله را تهدید کردند. امام آنان را از هرگونه تعرض منع کرد و گفت: «هرگز از تعرض به زنان خبری به من نرسد» (طبری، ۱۳۸۷: ۱/۴: ۵۳۹) زیرا در منطق علی (ع) ناسزاگویی موجب تحریک احساسات و عکس العمل است و سکوت در برابر آن باعث جذب مخالفان و حذف این فعل ناپسند می شود.

قبل از جنگ جمل در تمامی جنگ ها مسلمانان از غنائم بسیاری بهره مند می شدند و این نخستین جنگی بود که اجازه نداشتند غنیمتی را از جنگ به جز سلاح و چهارپایان جنگی بردارند و برای شماری بسیار سخت بود که بدون غنیمت از این جنگ برگردند. تعدادی از افراد لب به اعتراض گشودند که چرا غنیمت نبریم؟ چرا زنان را به اسارت نبریم؟ سیره ابوبکر در جنگ های داخلی این نبود که عمل می کنید.

امام علی (ع) فرمود: «آنان را به جرم پدران و همسرانشان محکوم نمی‌کنیم. این متجاوزین قبل از تجاوز در حکم سایر مسلمانان بودند و از اسلام خارج نشده‌اند، پس چرا باید اسیر شوند و اموال آنان غنائم باشد؟ آنچه از اموال آنان که با خود به جنگ آورده‌اند تا زمانی که درگیر جنگ باشند از غنائم است. ولی اگر تسلیم شدند یا فرار کردند و از تجاوز دست برداشتند جان و مال آن‌ها محترم است. اگر سخن مرا در این باره صحیح نمی‌دانید اینک عایشه همسر رسول خدا (ص) که در جنگ بوده است چه کسی می‌تواند او را به‌عنوان سهم غنیمت دریافت کند؟» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۸۳/۱) با این گفته امام همگی خاموش شدند و کسی سخنی نگفت.

۲-۳-۳ تقسیم عادلانه بیت‌المال پس از جنگ جمل

هنگامی که علی (ع) از بیعت مردم بصره فراغت یافت، با جماعتی از مهاجر و انصار وارد بیت‌المال بصره شد. در بیت‌المال نظر کرد که بیش از شش صد هزار دینار در آن بود و طلا و نقره‌ای را که آنجا بود، دید و گفت: «ای زرد (طلا) دیگری را بفریب. ای سپید (نقره) دیگری را بفریب» و اندکی با اندیشه به آن مال نگاه کرد. سپس گفت: «این مال را پانصد درهم پانصد درهم، میان یاران من و همه‌کسانی که همراه بوده‌اند، تقسیم کنید». بیت‌المال را چنان که او دستور داده بود، تقسیم کردند و یک درهم کم نیامد. حضرت جز سلاح دشمن همه چیز را به خود آنان واگذار کرد و بیت‌المال را میان یاران خود تقسیم کرد. برای خودش نیز مانند یکی از همراهان و یاران و کسانش پانصد درهم برداشت. یکی از یارانش نزد او آمد و گفت: «ای امیر مؤمنان من چیزی نگرفته‌ام و به فلان جهت از حضور بازمانده‌ام» و عذری آورد. امیرالمؤمنین پانصد درهم سهم خود را به او داد و فرمود: «سپاس خدا را که از این مال چیزی به خود اختصاص ندادم» (طبری، ۱۳۸۷: ۵۴۷/۳).

همچنین حضرت علی علیه‌السلام پس از جنگ جمل و هنگام خارج شدن از شهر بصره به مردم آن شهر فرمود: «من با همین لباس‌ها و همین زاد و توشه و اسبم که می‌بینید، وارد

شهر شما شدم. اکنون اگر با چیزی اضافه‌تر از آن‌ها از شهرتان خارج شوم، از جمله خیانتکاران هستم.» آنگاه امام افزود: «ای مردم بصره! انتقام چه چیز را از من می‌گیرید؟» و به جامه‌ای که بر تن داشت اشاره کرد و فرمود: «این لباس دستباف خانواده خودم است» (مجلسی، ۱۳۶۷: ۴۰ / ۳۲۵).

امام علی (ع) همان‌گونه که در آغاز خلافت خود اولین اقدام را تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی به اجرا گذاشت، بعد از جنگ جمل هم تقسیم بیت‌المال بصره به صورت مساوی بین تمامی افراد از جمله مخالف و موافق را در رأس کار خود قرار داد و ذره‌ای در اجرای آن تردید نکرد.

۲-۳-۴ میانه‌روی و عدالت در برخورد با بصریان

از جمله روش‌های اصلاحی و تربیتی حضرت علی (ع) برای اجرای عدالت آن بود که هرگاه در مقابل مخالفان به پیروزی می‌رسید با ملایمت و مدارا سعی می‌کرد که دل‌هایشان را مجذوب خود نماید و بدین وسیله، بغض‌ها و کینه‌های آنان را فرو نشاند.

عبدالله بن عباس کارگزار علی (ع) در بصره بود. به امام (ع) خبر رسید که ابن عباس با قبیله بنی‌تمیم بصره که از جنگ جمل کناره‌گیری کرده بودند، بدرفتاری کرده و درباره آن‌ها خشونت به خرج داده است. علی (ع) در طی نامه‌ای به ابن عباس فرمود: «وَاعْلَمُ أَنَّ الْبَصْرَةَ مَهْبِطُ إِبْلِيسَ وَ مَغْرَسُ الْفِتَنِ فَحَادِثُ أَهْلِهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ أَحْلَلُ عُقْدَةَ الْخَوْفِ عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ بدان که بصره فرودگاه ابلیس و رویشگاه فتنه‌هاست؛ پس با نکویی بصریان را شادان ساز و گره ترس از دل‌هایشان بزدا» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۱۲۵). امام علی (ع) بر مدارا اصرار داشت و نظرشان این بود که در چنین فضایی و بعد از سرکوب شورشیان در بصره، باید با ملایمت و مدارا با بصریان برخورد کرد تا اعتمادشان جلب گردد. ایشان خشونت و بدرفتاری را آفت اعتدال و عدالت و موجب شورش مجدد

می دانست و این در حالی بود که قبیله تمیم از کرده خود پشیمان بودند و با علی (ع) بیعتی مجدد بسته بودند.

ماجرای جنگ جمل و عفو عمومی مردم بصره از سوی امام علی (ع) و سفارش های امام به ابن عباس درباره مدارا با بصریان به تمام انسان ها می آموزد که در راه اجرای عدالت و اصلاح جامعه، حتی الامکان نباید خشونت به خرج داد و باید به افراد فرصت داد تا به مرور زمان فطرت های خفته در وجودشان بیدار شود و بدعت ها و سیاست های منحرف از میانشان رخت بریندند.

در ماجرای دیگر و در دسیسه معاویه در فرستادن ابن عامر حضرمی به سوی بصریان و نقشه تصرف بصره نیز سخنان امام علی (ع) خطاب به مردم بصره شنیدنی است و انسان را در مورد واکنش های متفاوت و رفتارهای متقابل امام به تفکر وامی دارد. ابن حضرمی راهی بصره شد و با یادآوری خاطرات جنگ جمل و کشته شدن تعداد زیادی از بصریان به دست سپاه امام (ع) آنان را وسوسه کرد تا با معاویه همکاری کنند. آن گاه که علی (ع) باخبر شد که گروهی از مردم بصره مجدد در بیعت خود سست شده اند، در نامه ای خطاب به بصریان نوشت: «چنان نیست که ندانید چگونه رشته طاعت را باز و دشمنانگی را آغاز کردید. من گناهکارتان را بخشودم و از آن که رو برگردانده شمشیر برداشتم و آن را که روی آورده قبول نمودم. لیکن اگر اندیشه های نابخردانه سست، شما را وادارد که راه جدایی در پیش گیرید و طاعت مرا نپذیرید، بدانید که من آماده به کار نزدیک شمایم و به سرعت به سروقت شما می آیم. اگر مرا از آمدن به سوی خود ناچار سازید، چنان جنگی آغاز کنم که جنگ جمل برابر آن بازی کودکانه باشد. باین همه، من فرمان برداران شما را ارج می گذارم و پاس حرمت خیرخواهان شما را دارم. نه بی گناه را به جای گناهکار می گیرم و نه پیمان شکن را به جای پیمان گذار می پذیرم» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: نامه ۲۹).

قاطعیت امام در برابر بصریان فریب‌خورده و قدرت و برخورد او با مخالفان و ذکر آنچه در جنگ جمل بر بصریان گذشته بود آنان را به اصلاح درآورد و تصمیم گرفتند به اصطلاح «پای از گلیم خود درازتر نکنند».

از آنچه پس از جنگ جمل گذشت این نتایج برداشت می‌شود:

۱- با توجه به فحاشی همسر عبدالله به امام علی (ع)، در مکتب انسانی و الهی هیچ زنی حتی در صورت گستاخی زبانی و عملی مورد تعرض جسمی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا پایبند بودن به قیود و شروط میدان جنگ از ارزش‌های عدالت‌محوری است و با توجه به غلبه عواطف بر دیگر قوا، تعرض جسمی زنان خلاف اخلاق جنگی است. از نظر علی (ع) ناسزاگویی موجب تحریک احساسات و عکس‌العمل است و سکوت در برابر آن باعث جذب مخالفان و حذف این فعل ناپسند می‌شود.

۲- در مکتب عدل علوی کسی که پناه داده‌شده در پناه خداست. خداوند از باب رحمت، امنیت و سلامت را برای مردم قرار داده است و زمامدار متعهد است به کسانی که به او پناه آورده‌اند -چه دشمن وی باشند، چه دوست- حقوق آن‌ها را پاس بدارد، عدالت را در حق آنان اجرا کند و در برابر تعرض‌ها از آنان دفاع کند؛ چرا که پناهنده را پشتیبانی نیست و زمامدار ضامن امنیت و حقوق آن‌هاست.

۳- قدرت فراگیر زمامدار سوای آسیب‌های بالقوه و بالفعلی که دارد، باید مانع از فتنه‌پراکنی و فتنه‌انگیزی مخالفان شود، اما روش‌های مواجهه وی با این مقوله‌ها اعم از ملایمت و مجازات می‌تواند در فروکش کردن فتنه تأثیرگذار باشد.

۴- در برخی موارد، ملایمت و نرمی در اجرای عدالت مؤثرتر واقع می‌شود. دادن فرصت به افرادی که دچار اشتباه و انحراف شده‌اند، در بعضی از مواقع باعث پشیمانی و بازگشت آنان می‌شود. بصریان باآنکه پیمان‌شکنی کرده بودند و در برابر امام علی (ع) صف‌آرایی کرده و جنگ جمل را با آن‌همه عواقب شوم به‌پیش برده بودند اما علی (ع) از آنجاکه

می‌دید بصریان شکست خورده و پشیمان هستند با اینکه قدرت آن را داشت که سخت‌ترین شکنجه‌ها را برای بصریان اعمال کند و از آن‌ها انتقام بگیرد. در مقابل رفتار زشت آنان بزرگوارانه برخورد کرد و در مقابل کینه این افراد، بخشش را سرلوحه کار خود قرار داد. امام همه را مورد عفو عمومی قرار داد و فرصتی دوباره به بصریان داد تا بیعت کنند. دستاورد این بخشش و بزرگواری حمایت حداکثری بصریان در جنگ‌ها صفین و نهروان از امام علی (ع) بود.

۵- در صورت تسلیم و پناهنده شدن، حفظ مال مسلمانانی که در جبهه مخالف می‌جنگند به جز سلاح و وسایلی که در جنگ به کار گرفته شده است، بر زمامدار واجب است. زنان جزو غنیمت جنگی به حساب نمی‌آیند و جان و امنیت و مالشان محترم است.

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت: موارد زیر نتیجه این پژوهش است:

۱- از جمله تأکیدات عدالت‌محورانه امام علی (ع) در حکومت و جنگ جمل، اشتیاق به تأخیر در جنگ است. امام تلاش کرد با به‌کارگیری این پیشران، طلحه و زبیر را تا حد زیادی نسبت به اجماع مردم بر رهبری‌اش متقاعد کند، اما افزون‌طلبی و قدرت‌طلبی مانع بازگشت آن‌ها و فتنه جمل شد. امام با استفاده از روش‌های مختلف برپایه عدالت تلاش کرد تا ناکثین را متقاعد کند و جامعه را به اصلاح درآورد.

۲- دیدار طلحه و زبیر با امام علی (ع) و تقاضای مشارکت در امر حکومت حکایت از امتیازخواهی و قدرت‌طلبی طلحه و زبیر دارد و جواب منفی امام علی (ع) به آن‌ها و درهم شکستن نظام طبقاتی و خویشاوندمداری، نظام عدالت‌محور امام در پیشبرد جامعه به اصل دین و اسلام را نشان می‌دهد. به این معنا که اصول عدالت‌محوری همچون صحبت‌های غیرمستقیم و دیدار حضوری، اتمام حجت، شدت عمل در برابر انحرافات، بخشش در عین قدرت، سفارش به مدارا و رفتار شرافتمندانه با مخالفان را فرونگذاشت.

امام علی (ع) سیاست خود را به خاطر حفظ دین عوض نکرد و برای حفظ قدرت و جایگاه خود از دین مایه نگذاشت امام از قدرت و سیاست خود برای برپایی عدالت و اصلاح جامعه استفاده کرد و نه رسیدن به خواسته‌های خود.

۳- قدرت فراگیر زمامدار علاوه بر آسیب‌های بالقوه و بالفعلی که دارد، باید مانع از فتنه‌پراکنی و فتنه‌انگیزی مخالفان شود، اما روش‌های مواجهه وی با این مقوله‌ها می‌تواند در فروکش کردن آن تأثیرگذار باشد.

۴- آگاهی و روشنگری در جهت اقناع مخالفان فریب‌خورده، خویش‌تن‌داری در عین ثبات و دقت، ارائه معیار و بینش صحیح همراه با پند و اندرز ناشی از آن، عمل دلسوزی و صداقت در پرتو رفق ورزی، می‌تواند زمینه‌ساز هدایت و رهبری عدالت‌محورانه زمامدار را فراهم سازد. این موضوع اشتیاق زمامدار به هدایت دشمن را ثابت می‌کند.

۵- برپایی عدالت، برادر دینی و غیردینی و یا حتی دوست و دشمن را بر نمی‌تابد. رهبری، مدیریت عموم مردم است. فتنه‌انگیزی هر قشری از جامعه رهبری عدالت‌محورانه را برمی‌تابد؛ خواه مخالف در قامت مخالف بماند و خواه روش ارتباطی زمامدار را پذیرا باشد و رفتار او را به‌جای قدرت‌طلبی یا زیاده‌خواهی‌های خود پسندد، در هر صورت سیاست عدالت‌محورانه راه‌گشا است.

اگرچه پژوهش انجام‌گرفته بیشتر به عدالت‌خواهی امام علی (ع) در ماجرای جنگ جمل و شهر بصره پرداخته است، تاریخ تحولات اسلام مستند بزرگی است که می‌توان عبرت‌های فراوان از آن گرفت و عبرت از وقایع باعث افزایش بصیرت می‌شود و هر کس بصیرت پیدا کند، در صحنه‌های مشابه رفتارهای مناسبی اتخاذ خواهد نمود. از طرف دیگر نوع واکنش عدالت‌محورانه امام علی (ع) در مواجهه با اصحاب جمل، الگوی مناسب و ارزشمندی برای ما شیعیان است که می‌خواهیم منش و رفتار ائمه معصومین را سرلوحه زندگی و رفتارهای خود قرار دهیم. ****

فهرست الفبایی منابع و مأخذ

- دشتی، محمد (۱۳۷۹): *نهج البلاغه*، قم: مشهور
- ابن ابی الحديد، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴): *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد (۱۴۱۱): *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء
- ابن الأثیر، علی بن محمد الجزری (۱۴۰۹): *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفكر
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۹۰): *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰): *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة
- بحرانی، ابن میثم (۱۳۶۲): *شرح نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر کتاب
- دینوری، ابن قتیبة عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰): *الإمامة والسیاسة*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸): *الاکخبار الطوال*، تحقیق جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۶): *سیمای کارگزاران امیرالمؤمنین علی (ع)*، قم: بوستان کتاب
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶): *فروغ ولایت*، قم: مؤسسه امام صادق
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷): *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳): *بحار الأنوار*، تهران: اسلامیة
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳): *الجمال*، نجف: مطبعة الحیدریة
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۹۸۰)، *البدء والتاریخ*، تحقیق پور سعید، القاهرة: مکتبة الثقافة الدینیة
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱): *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة
- منتظر قائم، اصغر (۱۳۹۱): *تمدن سازی نبوی و علوی*، اصفهان: مرغ سلیمان
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱): *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

Imam Ali (AS)'s justice-oriented leadership in the Battle of Jamal

Akram Al Sadat Hosseini ¹

PhD graduate of Quran and Hadith Sciences, Meybod branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran

Abstract

Date of Receipt: 04/10/2023

Date of Acceptance: 10/01/2024

Understanding the justice-oriented behavior of Imam Ali (AS) after taking over the government can explain the level of his honesty in his subsequent actions and make it more prominent. Ali (a.s.) does not shout for justice when he is removed from power, but when he is at the head of the government. Imam Ali (a.s.) declares justice and equality as his first step after taking over the government, and he insists on this important matter until the end of his rule. He first tries to prevent war in Jamal War; After the war, he tried to show with the decree of general amnesty that justice has nothing to do with forgiveness and self-sacrifice.

This research seeks to investigate justice-oriented leadership and Imam Ali's (a.s.) solutions in dealing with the Companions of Jamal War. In this article, the author has reached the following conclusions by descriptive-analytical method and citing reliable historical and hadith sources: the implementation of justice using appropriate strategies to prevent war and bloodshed, forgiveness when in power, preservation of human dignity and protection The rights of dissenters help to develop justice in the society and repel the factors of corruption and deviation.

Key words: central justice, Imam Ali (AS), Basra, Battle of Jamal

1- Corresponding Author: akramsadat.hosseini5@gmail.com